زن شرور دو بار زندگی می‌کند

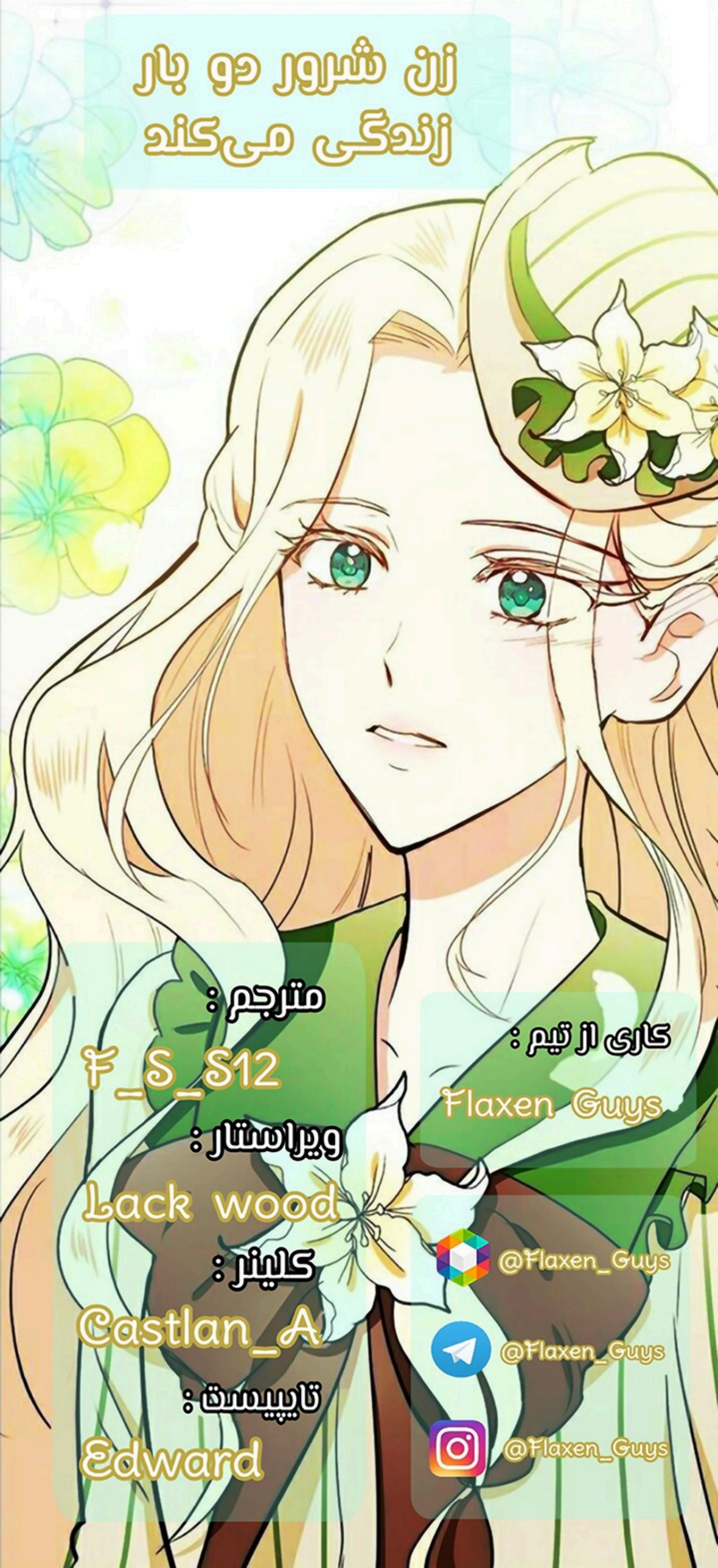

کاری از تیم :

Flaxen Guys

مترجم :

F_S_S12

ویراستار :

Lack wood

کلینر :

Castlan_A

تایپیست :

Edward

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

The Villainess Lives Twice

رنگ آمیزی: Park Jinwoo, Kim Dalhae | طراحی: Peachberry
نویسنده: Han Mint

احتمالش کمه، ولی اگه پای اعلیحضرت به این ماجرا باز شد یا وقتی من بودم مسئله‌ی ضروری‌ای پیش آومد، ازت می‌خوام که از ری محافظت کنی.
همیشه آماده‌ی این باشی که اگه لازم شد، همه چی رو ول کنی و به جا ساعقی شی.

متوجه شدم.
ولی اگه قبل از اینکه شما برگردین، تونست به شهرتی دست‌وپا کنه چی؟ بازم ترجیح می‌دین به جای بودن‌تو از نقشه، صبر کنین؟

وقتی شرایط تحت کنترلمه، خیالم راحت‌تره.
اگه مشکلی پیش بیاد، ممکنه منم گرفتار بشم.

اگه فقط خودم بودم، مشکلی نبود.
ولی اگه دوک‌نشین اورنوم درگیرش بشه، اوضاع به‌هم می‌ریزه.

...
تحملم

تق تق
تق تق

بارنشینس خودش بخشی از این کاره.

ظاهر زیبا و معصومی داره ولی می‌تونه به هیچ‌چیز نقشه‌ای بر و دیوری برای انتقام بکشه.

... درست حرف بزن.
و جواست باشه چی می‌گی.

بلکه غمگین به نظر می‌رسید.
(هورش: (هورش‌ی کسی نبود که بهورش از انتقام پر شده.

دوکنشین اوروی

وای!
درخشش
درخشش

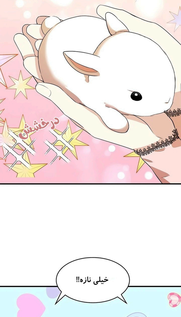
خیلی نازه!!

شبیه یه خرگوش واقعیه!
پوستشم خیلی نرمه.

خیالم راحت شد.
سندرفلار سال‌ها سوءتغذیه نبودند.
*Jaden

اون به شدت مشغول ایفای پروژه‌ش بود...
یه ماه پیش.

بعد از مشاهده کای، همه‌ای مغزی رفتم کاری.
آخرشم به این نقطه رسیدیم که هیچ راهی برای غلبه به قلم دوخته‌شدن اورون وجود نداره.
طبق همون پیزی که لرد سدریک گفت، این مسئله به نیاز، کمبود نیروی انسانی، هیچ راه مقابله نداره.

متاسفمون مزایای زیادی داره.
معادن زیادی هست که پتانسیل زیادی توی سودآوری دارن.
چندین کار صنعتی دیگه هم هست که بنگاهی اینوه استفاده قرار بگیرن.
ولی نیروی انسانی کافی‌ای برای کشورش اونا وجود نداره.

اگر مردی دوره به قدمت ارتش درآومدن.
تعدادی هم برای کشاورزی کنار گذاشته شدن.

این منطقه مکانی مناسب برای زندگی پیدا نمی‌شه نیست.

برای زنده موندن باید تلاش کرد.
همه. صرف نظر از سن و جنسیتشون باید کار کنن.
در نتیجه، منی اکرم بدون کرم، مزاج بهتر پیشتری داره.
وگرنه ازدکی برای همه‌ی قلاوزه سخت می‌شد.

باهم جهیزت کشاورزی تو تو آزادیت قرار بدنه.
ایاق
قنق

به همین دلیل، تصمیم گرفتم روی سخت پوست و پوم تمرکز کنیم.

با افزایش بهره‌وری از عنکبوتی که الان داریم...
بازم پر طرف کردن مشکلات مالی سخته.

سخت چرم منبع اصلی درآمد ماست.
به هر حال نباید به شکار کردن ادامه بدیم.

وگرنه حیوونای وحشی به مناطق مسکونی حمله می‌کنن.

و همین‌طور، شکار می‌تونه برای مردا یه تمرین نظامی باشه، هر گروه می‌تونه نوبت خودشو داشته باشه.
فکر کنم شما الان دارین چرم خام به تجار می‌فروشین، درسته؟
مرسی درس

بله، می‌دونم که این بهترین راه نیست که تونو مجبور به کنار گذاشتن در بیارم.
ولی ما منبعی برای تحقیق درباره فروشگاه‌های پاتیخت نداریم.

تا حالا سعی کردین باهاشون مذاکره کنین؟

این‌قدر اوضاع بده؟

من اونو‌قدر راجع به قیمت چرم تو فروشگاها اطلاعی ندارم.
ولی بازم، فقط با نگاه کردن به این استار مطمئنم که دارید سوءتفاهم کنید.

با اینکه آروین به یکنفر، ولی این تفاوتم هم ضروریه.
تو نوکر بودن مسئول مراقبت از این مخلفاتم.
تو لوح ندارم هوش تجاری قوی داشته باشه...
عاملموا که ولی، هرف از تجارت و عاملت می‌شد، و نوکرنشین آوردن از بقیه عقب‌تر.

خط‌کردن
خط‌کردن
خط‌کردن

زیر این قیمت بهشون نفروش.
کردن

مسکه به‌خاطر قیمت حمل و نقل و فروش مخالفت کنین. ولی تو کوتاه نیا.
اگه حس کردی داری موضعتو پایین میاری، بفرستشون پیش من.
ب_یانوی من...

حتی منم که با این صنعت آشنا نیستم، آوازه‌ی چرم اورونو شنیدم.

پس با همین هدف وارد مذاکره شو، حتی اگه به سگ تجارت‌مون متوقف بشه، مهم نیست.

متوجه شدم.

اینکه سه گروه تاجر وجود داره...

ولی همه‌شون به قیمت می‌خرانه به موضوع مهم رو می‌شنوند.

اینکه صنف تجار پشت این مسئله‌ست.

کی‌کیرن، بازرگان اصیل ونت می‌باشم.

مسئله‌ی بعدی خزه‌هاست.

اوه، بله.

تجارت خز به جورایی مواقعیت‌آمیز بوده. خوشبختانه، مزرعه گلت خوب توسعه‌ش یافته. بخاطر مدیریت کتیم چون خود موجود استفاده‌های زیادی از این گلا دارین.

ولی این یه کالای لوکس و فضلیه.

اگه فروششو زیاد کنیم، قیمتش که ازش سود می‌برد،رو میاد پایین.

به همین دلیل، ذخیره کردنشو ممنوع می‌کنیم.

ما باید تقاضاها رو ببریم بالا.

باید سعی کنیم جیووتای تاکسیدرمی شده با تولیو درآمد بسازیم.

اگر بتونه جلشو نگاش کنیم نمی‌تونیم به مرتد معبود لیلی بسازیم که مطلق یا اینجا باشه.

ولی این به جنس بده و میخبره به فرد پس مسئله متفاوت باشد.

تایید کردن

اگه محصولات جدید بتونه ظرافت و ترمی خز رو به خوبی نشون بده، عالی می‌شه.

پس باید عروسک و لوازمی بسازم که به قدردانی کافی جذاب باشن...
در حالی که نوکسه، تو مهموناً هم بلکه ارثش استفاده کرد، درسته؟

@wentz
ولی سرورم، خز با ارزش‌تر است.
هنوز ارزش خز برای شاه و نبیلزاده کمتر نیست. چون خز خوش بوی یا پشمت نیست، خیلی قوله میشه.
دقیقاً به خاطر همینه که باید تمرکزمون روی زیبایی و دلنشین باشه تا کار آسون بشه.

حتی اگه محصولی نهایی‌مون به دلیلی، باشه باشه اگه نوکس و دربا باشه، باز هم سود خوبی بیشتره.
درخشیدن
درخشیدن
اگه خوب پیش بره سمته بدونیم قبو ما دریای جنوبی هم بفروشیم. حتی سمته بین المللی بازارهای پایتخت هم برای بازار باز میشه.

ببخشید، بزم سلطان این مرد اونه دیگه.
ببخشید؟
شاه

من فقط به صدوهفتاد سال سومیم، سرورم.
تکسی که می‌دونه چی کار کنه باید مسئولیت اون کارو به عهده بگیره.

از اونجایی که قراره این محصولی باشه که افراد بازرگانی جامعه ازش استفاده کنن، پس هر چیزی که برای ساختش باید استفاده کنن حتی اگه محصولات با سنگاش قیمتی باشه.
پس محصولات آزمایشی رو به هنسر و حضرت می‌دم.

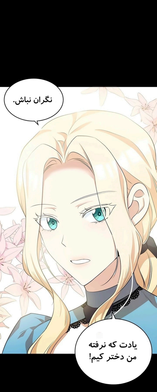
منوهم که چه قصدی دارین.
ولی به نظرتون محصوب کردن یه محصول بین افراد بازرگانی پایتخت، کار راحتیه؟

نگران نباش.
یادت که نرفته من دختر کیم!

این سیاهه، خز روباهه؟
بله ولی خز یه روباه مشکی نیست، رنگ شده.
چشماشم کریستال آبیه.

کریستال؟ فکر کنم بهت گفتم که از جواهر استفاده نکن.
برای همسرم، همین کریستالام خیلی گرونن.

این گفت که باهم همچین مسئولیت مهمی رو به ما سپردن و بهمون اعتماد کردن.
چطور می‌تونیم از این فرصت سوءاستفاده کنیم و مطابق خودمونو برآورده کنیم؟

همسرت این طور فکر می‌کنه؟
آه.

همسرم گفت که همچین چیزی نکنم
با داشتن همچین همسر عاقلی، حتماً در آینده خیلی موفق می‌شی.

چرخیدن

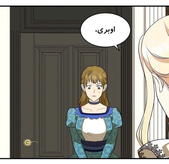
اوبری.

برو جعبه جواهراتمو بیار.

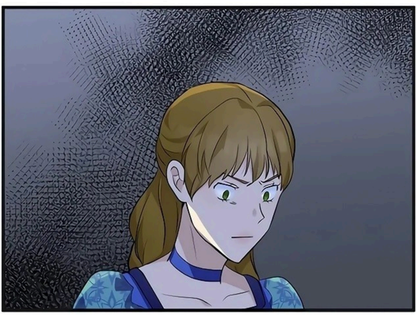

تق
تيا.